

روایت من از درسی که فهمیدم

درس سوم کتاب آموزش قرآن، پایه‌ی چهارم ابتدایی

رضانباتی

اشاره

شاید چندان به‌منظر معمولی نیاید اما این گزارش را از قول یک دانش‌آموز روایت می‌کنیم. درج مقاله در این شکل به آن جهت است که متن صمیمی و کاربردی را منعکس کنیم و نمودی باشد برای به‌کار بستن تدریسی که با شیوه‌ای آسان، روند یاددهی - یادگیری قرآن را طی کرده است.

روز شنبه

نزدیک زنگ تفریح بود. آقای فاطمی به دانش‌آموزان کلاس رو کرد و گفت: «بچه‌ها، زنگ دوم قرآن داریم. چه خوب است همه با هم زنگ تفریح وضو بگیریم تا موقع خواندن قرآن ثواب بیشتری ببریم.»

جلسه‌ی اول

الف

زنگ تفریح همراه دوستانم وضو گرفتیم و وارد کلاس شدم. با ورود آقای فاطمی همه بلند شدیم و با هم صلوات قرآنی را هم‌خوانی کردیم. آقای فاطمی طبق معمول پس از گفتن «بسم‌الله الرحمن الرحیم» و سلام و احوال‌پرسی مختصر، کتاب درسی قرآن را بوسید و گفت: «بچه‌های گلم، لطفاً درس سوم صفحه‌ی ۱۵ کتاب را باز کنید. پنج دقیقه وقت دارید که هر کدام این صفحه را برای خودتان بخوانید. چه‌طور می‌خوانید؟»

- زمزمه می‌کنیم.

- آفرین؛ یعنی طوری که صدای خودتان را بشنوید. این اولین مرحله‌ی روخوانی است که به آن «مرحله‌ی پیش‌خوانی در کلاس» می‌گوییم.

سپس معلم به ساعتش نگاه کرد. من هم مانند همه‌ی بچه‌های کلاس، قرآنم را بوسیدم و شروع کردم به خواندن آیات درس. در حالی که قرآن می‌خواندم، بعضی وقت‌ها به آقای فاطمی هم نگاه می‌کردم که بالای سر بچه‌ها می‌رفت و آن‌ها را به خواندن تشویق می‌کرد.

- آفرین بچه‌ها، حالا ده دقیقه وقت دارید برای «خواندن تمرین همین صفحه در گروه». هر کس یک خط برای دوستش بخواند و دوستش هم سطر بعدی را بخواند تا صفحه تمام شود. مراقب باشید غلط نخوانید.

اودر حالی که به ساعتش هم توجه داشت، با نگاه تشویق‌آمیزی به گروه‌ها سرکشی می‌کرد و به خواندن آن‌ها گوش می‌داد.

- خب، وقت تمام شد. حالا رسیدیم به مرحله‌ی سوم یعنی «مرحله‌ی خواندن برای کلاس». چه کسی حاضر است یک سطر برای کلاس بخواند؟

بیشتر دانش‌آموزان دست بلند کردند. هر یک از دانش‌آموزان داوطلب سطری از آن صفحه را خواند. معلم هم با مهربانی و حوصله اشکالات همه را در خواندن برطرف می‌کرد. گاهی هم معنای کلمه یا ترکیب‌های ساده‌ای مانند «نعمت»، «نعمت‌الله»، «صلاه»، «ناس»، «رزق»، «شیء» و... را سؤال می‌کرد. این بخش هم حدود بیست دقیقه طول کشید.

- دانش‌آموزان عزیز، امروز این صفحه را خوب یاد گرفتیم. ان‌شاءالله، جلسه‌ی بعد به سراغ آیه‌های جدید می‌رویم اما از شما انتظار دارم برای اینکه این درس را خوب یاد بگیرید، یک بار هم در خانه آن را بخوانید.

ب

آقای فاطمی باقی‌مانده‌ی زنگ را به آموزش پیام قرآنی پرداخت.



- صفحه‌ی ۱۶ را باز کنید. این پیام قرآنی را خودتان يك بار با دقت بخوانید و دانش‌آموزانی که آمادگی دارند آن را با صدای بلند بخوانند.
من نیز پیام قرآنی را با دقت خواندم و اولین نفری بودم که برای خواندن داوطلبانه دستم را بلند کردم:

«وَأَنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصَوها»

اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید، آن قدر زیاد است که نمی‌توانید.

(سوره‌ی ابراهیم، آیه ۳۴)

- آفرین! خوب و درست خواندی.

پس از من چند دانش‌آموز دیگر هم آن پیام را خواندند.

آقای فاطمی اضافه کرد:

- بچه‌ها، به تصویر نگاه کنید. در این تصویر چه نعمت‌هایی نقاشی شده است؟

دانش‌آموزان به تصویر نگاه کردند.

- آقا اجازه، می‌توانیم با هم مشورت کنیم؟

- بله، خیلی هم خوب است.

... دانش‌آموزان مطالب خوبی گفتند و آقای فاطمی هم مثل همیشه از پاسخ‌های بچه‌ها خیلی خوشحال می‌شد و بچه‌ها را تشویق می‌کرد تا مطالب بیشتر و بهتری بگویند. جالب بود که آقای فاطمی بیشتر گوش می‌کرد. پس از چند لحظه رو به بچه‌ها کرد و گفت:

- چه کسی می‌تواند زودتر از بقیه این پیام قرآنی را در آیه‌های صفحه‌ی قبل پیدا کند؟

محسن زودتر از بقیه آن را پیدا کرد:

- آقا اجازه، خط اول و دوم!

- آفرین! بچه‌ها زیر پیام قرآنی خط بکشید.

سپس ادامه داد:

- بچه‌ها، این شعر زیبا از سعدی شیرازی است. چه کسی آن را می‌خواند؟

فضل خدای را که تواند شمار کرد؟

یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد؟

- این بیت از شعر در واقع ترجمه‌ی منظوم پیام قرآنی درس است.

ج

- بچه‌ها، يك دقیقه وقت دارید این پیام قرآنی را حفظ کنید. دانش‌آموزان شروع به حفظ پیام قرآنی کردند و من سومین دانش‌آموزی بودم که داوطلب شدم و پیام قرآنی و ترجمه‌ی آن

را برای هم‌کلاسی‌هایم خواندم. البته تعداد زیادی از بچه‌ها پیام را خیلی سریع حفظ کردند و آن را خواندند تا اینکه صدای زنگ به گوش رسید.

- دانش‌آموزان عزیز، آیا به عهد و پیمانی که اول سال با هم داشتیم وفادارید؟ پس تلاوت يك صفحه از قرآن هر شب فراموش نشود!

- چشم آقا، «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

روز دوشنبه، جلسه‌ی دوم

الف

امروز آقای فاطمی در حالی که در يك دستش رایانه‌ی همراه و در دست دیگرش بلندگوهای رایانه بود، وارد کلاس شد. فهمیدم امروز قرار است تمرین قرائت قرآن داشته باشیم. او مثل همیشه دفتر نمره‌اش را باز کرد:

- بچه‌ها سلام! الوعدہ وفا!

- بهنام احمدی

- آقا اجازه، سه صفحه

- میلاد برادری

- اجازه، پنج صفحه

...

یعنی اینکه ما در این هفته چند صفحه قرآن خوانده‌ایم. او در دفتر نمره جلوی اسم هر دانش‌آموز تعداد صفحات خوانده شده را می‌نوشت و بعضی وقت‌ها جمع می‌زد و مثلاً می‌گفت امروز بچه‌ها سر جمع ۸۶ صفحه قرآن خوانده‌اند. البته این کار الزامی نبود بلکه دلخواهی بود.

- لطف کنید صفحه‌ی ۱۵ کتاب قرآن درسی را باز کنید. يك بار همه با هم گوش می‌کنیم و سپس دانش‌آموزانی که داوطلب باشند مانند قاری با صوت بخوانند، اعلام آمادگی کنند.

- آقا اجازه، چرا جلسه‌ی قبل از ما نخواستید با صوت بخوانیم



- صد آفرین، قبل از آن از کجا؟
- آقا/اجازه، از ذهن و فکر خودمان.
- هزار آفرین به شما، اول از همه باید از معلومات خودمان کمک بگیریم و اگر نتوانستیم از ترجمه‌ی عبارتهای صفحه‌ی قبلش و اگر باز نتوانستیم از لغتهای آخر کتاب.
- گروه‌های محترم برای تمرین اول سه دقیقه وقت دارید. داشتن «مداد و پاک‌کن» الزامی است. شروع کنید!
آقای فاطمی به ساعتش نگاه کرد و سپس بالای سر بچه‌ها رفت تا گروه‌ها را به انجام دادن تمرین تشویق کند.
- سه دقیقه تمام؛ گروه چهار، شماره‌ی یک را بخوان.
- ۱ - آجر: پاداش، پاداش‌ها. آقا/اجازه، پاداش درست است.
- آفرین! پاسخ را از کجا پیدا کردی؟
- آقا، در فارسی هم اجر و پاداش داریم.

- آفرین به شما! شماره‌ی دو را گروه سه بخواند.
...

تمرین دوم هم به همین شکل انجام شد. این فعالیت هم حدود ده دقیقه طول کشید.

- دانش‌آموزان عزیز، لطف کنید برای جلسه‌ی بعد تمرین‌های صفحه‌ی ۱۹ یعنی صفحه‌ی «انس با قرآن در خانه» را انجام دهید و هم چنین آیات صفحه‌ی ۲۰ را پیش خوانی کنید. در صورتی که کتاب گویای آیات درس را دارید، با استفاده از آن تمرین کنید.

آقای فاطمی ادامه داد:

- این موضوع انشای شما برای زنگ انشای هفته‌ی آینده است. سعی کنید با اعضای خانواده‌ی خود مشورت کنید و به پنج مورد اشاره کنید.

- راستی، تکلیف قرآن شما مثل همیشه چیست؟
- خواندن روزانه‌ی آیات قرآن
- آفرین به شما نونهالان قرآنی!

روز چهارشنبه، جلسه‌ی سوم

الف

امروز زنگ دوم، آقای فاطمی باز هم با روی خندان وارد کلاس شد. پس از ذکر نام خدا و سلام و احوال‌پرسی، اسم بچه‌ها را خواند و مثل جلسات قبل تعداد صفحاتی را که از قرآن کریم خوانده بودیم در دفتر نمره‌اش یادداشت کرد. سپس گفت:
- امیرالمؤمنین، امام علی - علیه السلام - درباره‌ی قرآن

اما این جلسه باید با صوت بخوانیم؟
آقای فاطمی با لبخند همیشگی‌اش گفت: «میلاد عزیزم، جلسه‌ی قبل هدف کلاس آموزش روخوانی بود اما این جلسه هدف ما روان‌خوانی قرآن است. یعنی باید سعی کنیم معمولی و روان بخوانیم. البته رعایت لحن و لهجه‌ی عربی الزامی نیست.»
بچه‌ها در حین گوش دادن به قرائت ترتیل زیبای قرآن، با چشم آیات را خطبری می‌کردند و بعضی از آن‌ها هم آرام با قاری زمزمه می‌کردند. پس از اینکه تلاوت آن صفحه به پایان رسید، بلافاصله دانش‌آموزان زیادی برای قرائت آیه‌های درس اعلام آمادگی کردند. من هم یکی از آن‌ها بودم. ۲۵ دقیقه از وقت کلاس به تمرین قرائت بچه‌ها گذشت و بچه‌ها هنوز داوطلب بودند که هر کدام حداقل سه سطر بخوانند.

ب

- فرزندان عزیز و قرآنی‌ام، می‌دانم که خواندن و قرائت قرآن برای شما یکی از جذاب‌ترین فعالیت‌هاست، بقیه‌ی بچه‌ها روز چهارشنبه خواهند خواند اما در این زنگ باید یک فعالیت دیگر هم داشته باشیم. به تمرین دوم کتاب درسی نگاه کنید. شماره‌ی یک را آقای قاسم‌پور بخواند.

- «أطیعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ» یعنی: اطاعت کنید از خدا و پیامبرش (سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۲۰).

- آفرین، چرا آخر عبارت نگفتی «رَسُولَهُ»؟

- آقا اجازه، آخرش وقف کردیم.

- مرحبا، درست گفتی. آقای عظیمی شماره‌ی دورا بخوان.

- «فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ» یعنی پس پاداش او نزد پروردگارش است (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۲).

- چرا در آخر عبارت گفتی «رَبِّهِ»؟ آیا درست خواندی؟

- آقا اجازه! فکر کنم باید می‌گفتم «رَبِّهِ».

- احسنت به تو پسر باهوش؛ بچه‌ها، همان‌طور که می‌دانید، صداها چاپ شده با رنگ آبی «هه و هی» در آخر عبارت خوانده نمی‌شوند. از این پس، این صداها معمولی نوشته می‌شوند ولی مثل گذشته خوانده نمی‌شوند. حالا عبارت سوم را علیرضا بخواند.

- «أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ» یعنی آیا خدا برای بنده‌اش کافی نیست؟ (سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۳۶)

- آفرین، این هم قاعده‌ی این درس. می‌دانم این قسمت آن قدر ساده بود که به بیش از پنج دقیقه نیاز نداشت و همه یاد گرفتند.

ج

- عنوان صفحه‌ی ۱۸ کتاب چیست؟

- «کار در کلاس»

- بگویید بینم پاسخ این دو تمرین را از کجا پیدا کنیم؟

- آقا اجازه، از لغات آخر کتاب

- آفرین! قبل از آن از کجا؟

- آقا از ترجمه‌ی آیات صفحه‌ی قبلش.



۱. تمرین دوم و سوم در عین حال که بسیار ساده است و وقتی از شما نمی‌گیرد اما بسیار مهم است؛ زیرا درباره‌ی قاعده‌ی درس است و باعث می‌شود قواعد را با تمرین‌های مکرر به‌خاطر بسپارید.

۲. در تمرین دوم عبارات قرآنی را می‌خواندیم و دور حرکتی که هنگام وقف خوانده نمی‌شوند، خط می‌کشیدیم. در تمرین سوم، صدای قبل از حروف ناخوانا را با علامت پیکان (←) به ساکن یا تشدید بعد از آن وصل می‌کردیم.

د

- دانش‌آموزان عزیز، رسیدیم به تمرین روخوانی آیات صفحه‌ی ۲۰ کتاب درسی. مثل جلسه‌ی اول پنج دقیقه وقت دارید که هر کدام این صفحه را برای خودتان بخوانید. چه‌طور می‌خوانید؟

- زمزمه می‌کنیم.

- آفرین! یعنی «مرحله‌ی پیش‌خوانی در کلاس».

سپس آقا معلم به ساعتش نگاه کرد.

- آفرین بچه‌ها! حالا رسیدیم به مرحله‌ی دوم روخوانی؛ یعنی «مرحله‌ی خواندن در گروه». برای تمرین همین صفحه در گروه ده دقیقه وقت می‌دهم. هر کس يك خط برای دوستش بخواند و دوستش هم سطر بعدی را بخواند تا صفحه تمام شود. مراقب باشید غلط نخوانید.

او در حالی که به ساعتش نگاهی می‌انداخت، به گروه‌ها سرکشی می‌کرد و به خواندن آن‌ها گوش می‌داد.

- خوب، وقت تمام شد! حالا رسیدیم به مرحله‌ی سوم یعنی «مرحله‌ی خواندن برای کلاس». چه کسی حاضر است يك سطر برای کلاس بخواند؟

بیشتر دانش‌آموزان دست بلند کردند. هر يك از دانش‌آموزان داوطلب سطری از آن صفحه را خواند. معلم هم با مهربانی و حوصله اشکالات خواندن همه را بر طرف می‌کرد. گاهی هم معنای کلمه یا ترکیب ساده‌ای مانند «الْحَمْد»، «اَلْکَبْر»، «اسحاق و اسماعیل»، «جِبَال»، «عَافِل»، «لِلْمُؤْمِنِينَ»، «لِوَالِدِی» و... را سؤال می‌کرد. این بخش حدود بیست دقیقه طول کشید.

- دانش‌آموزان عزیز، ما امروز این صفحه را خوب یاد گرفتیم. ان‌شاءالله جلسه‌ی بعد به سراغ آیات جدید می‌رویم. اما من از شما انتظار دارم برای اینکه این درس را خوب یاد بگیرید، يك بار هم آن را در خانه بخوانید. در ضمن، خواندن روزانه‌ی قرآن در منزل فراموش نشود.

این بود گزارش من از تدریس يك درس از کتاب آموزش قرآن پایه‌ی چهارم که در طول يك هفته و طی سه جلسه توسط آموزگار خوبمان آقای فاطمی انجام شد.

فرمودند: «قرآن هرچه خوانده و شنیده شود، هرگز کهنه نمی‌شود.» بچه‌ها بگویید این سخن زیبا یعنی چه؟

- آقا اجازه، اگر ما يك فیلم زیبا را يك دوبار ببینیم از آن خسته می‌شویم اما از خواندن قرآن و نماز خسته نمی‌شویم.

- اجازه آقا، ما اگر يك وعده چلوکباب بخوریم چند لحظه بعد دیگر نمی‌خواهیم همان غذا را بخوریم. اما قرآن را هر چه بیشتر می‌خوانیم و در معنا و مفهوم آن دقت می‌کنیم از یادگیری آن سیر نمی‌شویم.

- آفرین فرزندانم؛ این همان فرمایش مولا علی علیه‌السلام است که در بخش «قطره اما دریا» در صفحه‌ی ۱۹ آمده است.

پ

- دوشنبه نتوانستم از همه‌ی بچه‌ها بپرسم. این جلسه می‌خواهم از همه‌ی دانش‌آموزان سؤال کنم. اگر آماده‌اید شروع می‌کنیم. فقط یادتان باشد قاعده‌ی درس را حتماً رعایت کنید. آقای فاطمی مثل جلسه‌ی قبل از هر دانش‌آموز خواست حدود سه سطر را بخواند. این بخش (یعنی تمرین اول صفحه‌ی ۱۹) حدود ۱۵ دقیقه طول کشید.

ج

نام این صفحه «انس با قرآن در خانه» است و شما حتماً این تمرین را در منزل انجام داده‌اید. لطفاً کتاب‌ها باز باشد تا من ببینم.

آن‌گاه از جای خود برخاست و میز به میز کتاب‌ها را بررسی کرد. کل این قسمت هم حدود ده دقیقه طول کشید. یادم هست آقای فاطمی دو تذکر درباره‌ی این بخش دادند: